

مکتب ملی مکتب هنری شیراز تبریز

علی سامی

برگردانیدن کتابهای تاریخی ایرانی
زبان تازی در سده‌های نخستین هجری
نمایشگر این موضوع میباشد .

ظرفهای سفالی و کاشی لعابدار رنگین
و خوش طرح و زیبایی، که در ویرانه‌های
شهر باستانی استخر (شصت کیلومتری
شمال شیراز) ، و ظرفهای کاشی ری و
نیشابور و چند نقطه دیگر که بدست
آمده ، فلزکاریها ، احداث مساجد بزرگ
و باشکوهی چون جامع عتیق شیراز ،
نائین ، دامغان ، نیریز و مدارس و
آرامگاه اسمعیل سامانی و گنبد قابوس
گرگان و لاجیم سوادکوه و بناهای
دیلمیان و غیره که بقایای آنها بجا مانده ،
وصدها ساختمان زیبا و هنری دیگر که
از بین رفته و سخنی از آنها در تاریخ
مانده ، همه بهترین نمودار ادامه و
پیشرفت این هنرها در سده‌های نخستین
اسلام میباشد .

ظرفهای کاشی لعابدار استخر ،
با طرحها و نقشها و تصاویری که روی
آنها طراحی شده ، و با لعاب برنگهای
سبز و زرد و یاقوتی و لاجوردی مزین
گردیده ، ظرفهای کاشی ری ، بویژه
بعضی از آنها با طرحهای تیره رنگ روی
زمینه قهوه‌ای ، و پارهای با خط کوفی ،
و ظرفهای نیشابور ، سینی‌های بزرگ
مفرغی (موزه لنینگراد و چند موزه

وجود آورد که نمونه آن مکتب هنری
شیراز و تبریز و هرات بود .

ایرانیان از همان اوان آمیزش با
تازیان و قبول دین اسلام ، کوشیدند
تادانش و هنر و سنت خود را نگاهدارند ،
و اگر ناچار به پرداخت جزیه نبودند ،
جزیه‌ای که حکم یک‌گونه مالیات را
پیدا کرده بود ، و گاه بگاه بنا بر
خواست و آرزو خلفا افزایش مییافت ،
و اداء آن از توان بسیاری از ایرانیان
زرتشتی مذهب بیرون بود ، آئین نیاکان
خود را هم نگاه میداشتند . همچنانکه
گروهی از آنان در پارس و یزد و کرمان
و سایر نقاط خاوری و جنوبی ایران
دین کهن خود را نگاه داشتند .

بنابراین همانگونه که زبان خود
را نگاه داشتند یا جشن فروردگان و
مهرگان و سده را برگزار می نمودند ،
همانطور هم دانشها و هنرهای خود را از
یاد نبردند و با خواسته‌های زمان و
پیش آمدها ، هم آهنگ ساختند ، تازیان
پیروزمند دست طلب بسوی این گنجینه
سرشار فرهنگی دراز کردند و پذیره
آن شدند .

تأثیر معماری و موسیقی و سایر
هنرهای ایرانی در فرهنگ اسلامی ،
در آوردن دیوانهای جمع و خرج دربار
خلافت به سبک دیوان‌های زمان ساسانی ،

از هنر معماری و پارچه‌بافی و
نقاشی و کنده‌گری و پیکرنگاری و
نقره‌کاری و سایر هنرهای ظریفه عهد
ساسانی ، آثار و قرائن چندی در دست
میباشد که وضع این هنرها را در آن
عصر درخشان تا اندازه‌ای معلوم ساخته است .

آنچه که بطور وضوح روشن نیست ،
سیر این فنون در سده‌های نخستین اسلام
میباشد ، که شاید تصور شده ، دگرگونیهای
سیاسی مانع از تکامل و پیشرفت و ذوق
هنری ایرانی شده باشد ، ولی زندگی
عادی مردم پس از تاخت و تاز تازیان و
برچیده شدن شاهنشاهی ساسانی ، بهمان
روش برگشت ، و هنروران کار عادی
خود را ادامه دادند . منتها پادشاهان
و فرمانروایان هنردوست نبودند که
مشوق هنر باشند ، اما بتدریج که قدرت
و حکومت خلفا و عمال آنان رو به ضعف
رفت ، و دودمانهای ایرانی چون
طاهریان ، صفاریان ، سامانیان ،
آل زیار ، آل بویه و غیره قدرت را
بدست گرفتند ، هنرهای ملی و سنتی هم
به سیر تکاملی خود ادامه داد . استعداد
و ذوق طبیعی ایرانیان پس از قبول دین
اسلام با نیازمندیهای جدید و بسبب
تازمندی پیشرفت نمود ، و در نتیجه دوران
درخشانی بویژه در عهد پادشاهی سلجوقیان
(۴۲۹ - ۵۵۹ ه . ق) و پس از آن ،

اروپائی)، پیکره‌های مفرغی اردک و کبوتر، آئینه‌ها و آفتابه‌های مفرغی و چراغهای برنجی، از بهترین و ممتازترین اشیاء هنری، زاده دست هنرآفرینان خوش‌ذوق ایرانی میباشد.

یکی دوسده بعدتر، یعنی در زمان سلجوقیان این هنرها ظریف‌تر و ممتازتر و به منتها حد ظرافت خود میرسد. مانند ظرفهای کاشی با طرحها و نقاشیهای ممتاز و رنگهای گوناگون که در تبریز و آق‌کند نزدیک میانه، بین تبریز و زنجان و در کاشان، ری، ساوه، نیشابور، شوش، برنگهای متنوع سبز و فیروزه‌ای و سورمه‌ای و بنفش و سفید ساخته شده، و سفالهای دوپوشه که روی پوشش بیرونی آن نقشهای پیچیده‌ای کنده‌اند و بشکل تور درآمده، و سفال چینی بنام «تنگ» لعاب پاشیده^۲ و سفال مینائی ری و کاشان و تبریز با نقش برگ و گل و پرند و حیوانات، اشیاء مفرغی که یا با خط کوفی و یا با نقش انسان و برگ گل نقره کوبی شده، و اشیاء مسی و شمعدانهای بلند و کوتاه و عود سوزهای مفرغی، جعبه و صندوق مفرغی و اشیاء سیمین ظریف، مانند قاشق و گلاب‌پاش و کمر بند و فنجان و سینی و آفتابه و زنجیر، همه نمودار پیشرفت‌های این هنرهای ظریفه در عهد سلجوقیان میباشد.

در عهد سلجوقی این دو مرکز هنر و دانش همگام هم پیش می‌رفتند. همان هنگام که خواجه نظام‌الملک برای مدرسی مدرسه نظامیه بغداد بزرگترین و با تقوی‌ترین دانشمندان زمان شیخ ابواسحق شیرازی را با اصرار حاضر به سرپرستی و تدریس مینماید، علامه ابوبکر خطیب تبریزی که خود دانشمندی بنام و از تبریز بوده است برای سرپرستی کتابخانه بزرگ مدرسه برمیگزیند.

رشد و گسترش مکتب هنری شیراز و تبریز:

شیراز در عصر اتابکان بواسطه

مصون بودن از شر تاخت‌وتاز مغولها نه تنها سیر هنری خود را ادامه داد، و وقفه‌ای در آن روی نداد، بلکه در این عهد مکتب هنری شیراز جای خود را گسترده‌تر و استوارتر ساخت، و کمتر زیر نفوذ درهم آمیزی نقاشی چین که به‌مراه مغولان بایران سرایت نموده بود، و در تبریز و سلطانیه و مراغه نفوذ پیدا کرده، قرار گرفت. انتقال پایتخت هلاکو به آذربایجان هم سبب پرورش و گسترش مکتب هنری تبریز شد و همراه همگام با مکتب هنری شیراز پیش رفت. غازان خان (۲۹۴ - ۷۰۳ ه. ق) ورشیدالدین فضل‌الله وزیر دانشمند و دانش‌پرور او که وزارت اولجایتورا هم داشته، در تبریز بناهای زیادی کردند که همه مفصل و مهم بوده‌اند.

از آنجمله آرامگاه غازان‌خان در شام غازان که از ساختمانهای مشهور زمان بود، و بکلی ویران شده، و همچنین ربع رشیدی شامل مدرسه، کتابخانه، بیمارستان، رصدخانه که در زمان خود از لحاظ جامعی و کمال تالی نداشته، و از بهترین مراکز علمی جهان بوده است. ویرانه تل‌مانند بزرگی در کنار شهر تبریز است که هم‌اکنون بنام محله رشیدی معروف و تصور کرده‌اند که همان ربع رشیدی میباشد.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله، عده زیادی از دانشمندان و خوشنویسان و هنرمندان را در ربع رشیدی جلب کرد و گرد آورد، و برای آنها مقرری و مؤنه تعیین نمود، که با آسایش خاطر از کتاب تاریخ او «جامع‌التواریخ» نسخه‌های متعددی با خط خوب و عالی بنویسند، و نقاشان با تصاویر زیبا آنها را مصور سازند. یکی از آن کتابها بدو قسمت شده، یک قسمت آن در کتابخانه انجمن پادشاهی آسیائی در لندن، و قسمت دیگر در کتابخانه دانشگاه «ادینبرو» در اسکاتلند است: (تاریخ

این نسخه ۷۰۷ تا ۷۱۴ ه. ق) میباشد. قسمت اول دارای تصاویر چندی است از حکایات قرآن، مانند داستان یونس و نهنگ، داستان نوح و خانواده‌اش در کشتی، و همچنین تصاویر رستم و سایر پهلوانان داستانی.

نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانه ملی پاریس است که پس از مرگ رشیدالدین نوشته شده.

مسجد علیشاه در تبریز از مساجد بزرگ و ایوان آن از ایوان مدائن الهام گرفته بود، بطوریکه نوشته‌اند از آنهم بزرگتر بوده است^۳. این مسجد توسط تاج‌الدین علیشاه وزیر الجایتو و سلطان ابوسعید (۷۱۶ - ۷۳۶ ه. ق) ساخته شده. پهنای طاق ۳۰/۱۵ متر و بلندی دیوار اطاق ۳۲ متر میباشد.

مبارکشاه ابن قطب تبریزی ملقب به زرین‌قلم (متوفی حدود ۷۶۰ ه. ق) از خوشنویسان عصر خود و نوشته‌اند که سلطان ابوسعید جلایر (۷۵۷ - ۷۷۷ ه. ق) چون در نجف اشرف بر مزار حضرت علی علیه‌السلام ساختمانی کرد، نوشتن کتیبه را به این خطاط محول کرد. از آثار خطی این خوشنویس چند قطعه خط در موزه توپ قاپوی استانبول موجود است، که بقلم ثلث و نسخ نوشته و تاریخ (۷۳۲ ه. ق) دارد^۴.

در همان هنگام که مسجد کبود و مسجد علیشاه با الهام از ایوان مدائن

۱ - این نوع سفال را «توری Reticulated» اصطلاح کرده‌اند.

۲ - این گونه سفالها هنگامی که هنوز تر بوده و پخته نشده بود، روی آن رنگ می‌پاشیدند.

۳ - تاریخ صنایع ایران تألیف کریستی ویلسن ترجمه دکتر عبدالله فریار.

مسجد کبود را فیروزه اسلام می‌نامیدند.

۴ - کتاب اطلس خط تألیف حبیب‌الله فضائی صفحه ۲۱۷.

در تبریز ساخته میشد و با کتیبه ثلث عالی بخط محمد بواب تزئین میگردد، در شیراز هم کاخی به سبک ایوان مدائن^۵ و همچنین خداخانه مسجد عتیق توسط شاه شیخ ابواسحق اینجو ساخته میشد و کتیبه‌های ثلث خدا خانه بخط یحیی الصوفی الجمالی مزین میگردد .

یحیی الجمالی الصوفی خوشنویس بنام عهد شاه شیخ ابواسحق اینجو پادشاه فارس ، نزد همین مبارک‌شاه زرین‌قلم و احمد رومی خط را یاد گرفته و شاگرد خوب این خوشنویس بوده است . کتیبه‌های معرق سنگی خداخانه مسجد جامع عتیق شیراز و سی جزء قرآن وقفی ملکه تاش‌خاتون مادر شاه شیخ ابواسحق اینجو بر بقعه شاه چراغ ، خط همین خوشنویس عالیمقام میباشد . سی جزء قرآن وقفی در موزه پارس شیراز نگاهداری میشود .

دیگر از خوشنویسان زبردست تبریزی حاج محمد بازوبند یا بازوگیر اهل تبریز به سال ۷۸۸ ه . ق بخدمت امیر تیمور رسید ، و نامه‌ای را که امیر تیمور به پادشاه مصر فرستاد بخط او بود و به آب طلا نوشته شده بود . این نامه بسیار مفصل و نوشته‌اند که هفتاد گز دراز و سه گز پهنا داشته ، و همچنین خط بسیاری از کتیبه‌های تبریز بخط او بوده است^۶ .

حاج محمد معین‌الدین تبریزی که بعضی از کتیبه‌های تبریز بخط او بوده ، شاگرد همین حاج محمد بازوبند بوده است .

در عصر تیموری :

امیر تیمور بسیاری از دانشمندان و هنروران ایران از آنجمله از تبریز و شیراز ، به سمرقند جلب کرد ، و در دوران پادشاهی الغیغیگ که خود در زمره دانشمندان بود سمرقند مرکز اجتماع دانشوران و هنرمندان گردید .

زیچ الغیغیگ در سمرقند ، که آثار آن در چندسال پیش توسط باستان‌شناسان شوروی بدست آمده ، و بخوبی از آن نگاهداری میشود ، بیاری استادقوام‌الدین شیرازی معمار ، و مولانا علی قوشچی ترتیب داده شد .

دانشمندان دیگری که در این بنای نجومی مهم آثرمان شرکت داشتند ، عبارت بودند از : صالح‌الدین موسی مشهور به قاضی‌زاده رومی ، معین‌الدین کاشی ، عنایت‌الدین جمشید کاشی . (از ۸۲۳ تا ۸۴۱ ه . ق) .

شهر شیراز در سده هشتم هجری (نیمه دوم سده ۱۴ میلادی) ، یکی از مراکز مهم فلزکاری و سایر کارهای هنری بود . در همین شهر بسال ۷۶۲ ه . ق (۱۳۶۰ میلادی) شمعدان معروف برنجی مزین به نقش‌های زر و سیم را ، که اکنون جزء اشیاء نفیس مجموعه‌هراری^۷ است ، ساخته شد . سبک این اثر جدید ، دنباله همان شمعدانی است که در مجموعه ستورا^۸ ضبط است ، و شباهت به یک سلسله کارهای پرنقش و نگار و نقره‌کوب دارد^۹ .

شیراز و هرات و سمرقند ، در قلمرو تیموریان ، و تبریز و اسلامبول در حوزه فرمانروائی پادشاهان آل‌جلایر و آل عثمان ، از مرکز بزرگ علمی و هنری شرق شمرده میشدند .

شیراز مرکز علمی و هنری جنوب ایران بود ، که در اثر پیشینه درخشان خود و دانش‌پروری و هنردوستی اسکندر پسر عمر شیخ و برادرش پیر محمد و ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ و سایر نوادگان امیر تیمور ، در راه پیشرفت دانش و هنر ، پایگاه ارجمندی داشت ، و بر اهمیت علمی و هنریش افزوده گردید .

حوزه‌های درسی شیراز بوجود مدرسان و دانشمندان بنامی چون قاضی عضدالدین ایجی (متوفی ۷۵۶ ه . ق) و میرسید شریف جرجانی (متوفی

۸۱۶ ه . ق) و علامه جلال‌الدین دوانی (متوفی ۹۰۸ ه . ق) و صدرالدین دشتکی ، مباحی و مفتخر بود .

تبریز علاوه بر اینکه از مراکز مهم سیاسی و بازرگانی ایران بود ، فرمانداران و پادشاهان وقت در گسترش دانش و ادب و هنر این شهر میکوشیدند . پادشاهان عثمانی دربار خود را بتقلید از دربارهای تبریز و ایران ، مجمع دانشمندان و سخنوران و هنرمندان ساخته بودند ، و از جلب این‌گونه اشخاص فروگذار نمی‌کردند .

در دربار بایسنقر چهل خوشنویس و نقاش تحت سرپرستی مولانا جعفر تبریزی در کتابخانه او برای نوشتن نسخه کتاب‌ها و تذهیب و نقاشی و مصور ساختن کتابها مشغول بودند ، و پول زیادی در این راه مصرف داشت . کتابهای خطی زمان او بسیار گرانبها و نفیس است . شاهنامه بایسنقری از نفائس خطی این زمان میباشد .

بایسنقر خود پادشاهی خوش‌نویس و ادب‌پرور و مشوق خط و نقاشی و تذهیب و از خوشنویسان و نقاشان بنام عصر خود بود . نبشته‌های مسجد گوهرشاد آغا در مشهد ، یکی دیگر از آثار هنری اوست و همچنین قرآنی بخط ثلث و قطع بزرگ نوشته که معروف بخط ثلث بایسنقر میباشد . او از تمام شاهنشاهی ایران از آنجمله تبریز و شیراز ، هنرمندان و خوشنویسان و دانشمندان را بدربار خود جلب کرد .

ابراهیم سلطان فرزند دیگر شاهرخ که بسال ۸۹۱ ه . ق از سوی پدر به فرمانروائی پارس مأمور شد ، دربار خود را مجمع دانشمندان و هنرمندان و سخنوران قرار داد . شرف‌الدین علی یزدی ادیب معروف زمان را واداشت که تاریخ ظفرنامه را تألیف کند . در این باره از مدارکی که در خزائن پادشاهان بود و با تحقیق از معمرین و تصفح تواریخ

و اوراق و تحمل وقت و پول فراوان، ظفرنامه را تألیف کرد.

از آثار هنری جالب باقی مانده مربوط باین عهد، نسخه خطی شاهنامه فردوسی است، بخط لطف‌الدین بیجی این محمد در شیراز بسال ۷۹۶ هـ. ق برابر ۱۳۹۳ میلادی، که اینک در کتابخانه ملی مصر موجود است. این کتاب فعلاً دارای ۶۷ مجلس نقاشی و یک صفحه تذهیب رنگی میباشد.

شاهنامه دیگری درسال ۸۰۱ هـ. ق برابر با ۱۳۹۷ میلادی باز در این شهر نوشته شده که اینک ضمن یک مجلد با جزئی از نسخه خطی دیگری در موزه بریتانیا موجود میباشد. نقاشیها و تصویرهای این کتاب دقیق و حساس‌تر از شاهنامه کتابخانه ملی مصر میباشد.

تاریخ تیمور، کتابی است که حدود سال ۸۰۰ هـ. ق بنام شاهشاه‌نامه در شیراز نوشته شده و اکنون متعلق بموزه بریتانیا میباشد. برگهای آن با تذهیب طلا به بهترین طرز مصور و مزین گردیده است.

دیگر کتاب اسکندرسلطان برادرزاده شاهرخ تیموری نوشته شده در شیراز بسال ۸۱۳ هـ. ق میباشد. این کتاب برگهای مصور زیبایی کار نقاشان شیراز دارد، و آن نیز در موزه بریتانیا نگاهداری میشود.

چهار برگ مصور نفیس مربوط بیک کتاب خمس نظامی متعلق بموزه ایران باستان از شاهکارهای هنر نقاشی و مینیاتورسازی مکتب شیراز در دوران تیموری است. این چند برگ نقاشی ضمن نقاشی کاخ گلستان نگاهداری میشد، ولسی درسال ۱۳۳۵ خورشیدی به‌مراه مجموعه دیگری از نقاشیهای گوناگون بموزه ایران باستان منتقل گردید. در سال ۱۳۳۵ که نمایشگاه آثار هنر ایران در انستیتوی مطالعات خاورشناسی ایتالیا در رم، و نمایشگاه هفت هزار سال هنر

ایران که در سال ۱۳۴۳ در واشنگتن تشکیل شد، ضمن اشیاء جالب و گرانبهای باستانی ایران بدان نمایشگاه جهت دیدار علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان، و در بهار سال ۱۳۴۶ به نمایشگاه بین‌المللی منتراال هم برده شد.

درموزه برلن نیز تصاویری از مجموعه‌های اشعار فارسی است که محمود کاتب حسینی در شیراز بسال ۸۲۳ هـ. ق برابر با ۱۴۲۰ میلادی برای کتابخانه بایسنقر نوشته است. این اوراق دارای تصاویری است که دو صورت آن از همه بیشتر جلب توجه مینماید. یکی تصویر خسرو پرویز است که بر بالای سرشیرین آمده، و دیگری منظره صحنه جنگی بین سپاه او و بهرام چوبینه است.

علاوه بر این کتابها و نقاشیها که کار خوشنویسان و هنرمندان زبردست شیرازی و تبریزی است کتابهای متعدد دیگری مربوط به خوشنویسان سایر شهرهای ایران درموزه‌ها و کتابخانه‌های معروف جهان موجود میباشد، که همه معرف پیشرفت و ترقی این هنرها در دوره تیموری است. از آنجمله نسخه کتابی درموزه بریتانیاست بخط میرعلی تبریزی مخترع مبتکر خط نستعلیق. این کتاب نفیس که بسال ۷۹۹ هـ. ق (برابر ۱۳۹۶ میلادی) نوشته شده، شرح داستان عشق هما شاهزاده ایرانی و همایون دختر امپراطور چین میباشد.

کتاب گلستان نوشته شده بتاریخ ۸۳۰ هـ. ق توسط جعفرخان خوشنویس و هنرمند نامی زمان بایسنقر میرزا، یکی دیگر از این نفائس هنری عهد تیموری میباشد. از این خوشنویس یک جنگ که در همان سال نوشته و دیگر شاهنامه معروف بایسنقری با ۱۲ مجلس نقاشی که از نفائس موزه کاخ گلستان است و در سال ۸۳۳ هـ. ق نوشته شده، در دست میباشد.

از خوشنویسان و نقاشان بنام دیگر

این قرن غیر از علی تبریزی و جعفر بایسنقری عبدالرحمن خوارزمی خوشنویس و دوفرنزندش، عبدالکریم و عبدالرحیم میباشد.

وجود این کتابهای خوش‌خط با نقاشیها و تصویرها و مینیاتورها و تذهیب عالی، که نمونه ذوق سرشار و سلیقه شیوای خوشنویسان و هنرمندان شیراز و تبریز است، به علو سطح هنری مکتب شیراز و تبریز میتوان پی برد.

در مکتب هنری شیراز مخصوصاً هنر نقاشی و تذهیب کاری اهمیت فراوان پیدا کرد، که بچند اثر مصور و نقاشیهای جالب کار هنرمندان و خوشنویسان و نقاشان تذهیب‌کاران شیراز اشاره شد.

در پایان این موضوع ناگزیر از این یادآوری میباشد که خوشنویسی و ابتکار چند نوع خط از شیراز و فارس آغاز شد و ابوعلی محمدابن مقله فارسی (۲۷۲ - ۳۲۸ هـ. ق) و پدر و برادرانش همه خوش‌خط و خوش‌نویس و برحسب نوشته ابن‌الدیم درالفهرست: تا زمان او (یعنی ۳۷۷ هـ. ق) همانند این دو برادر (ابن مقله و ابو‌عبدالله حسن بن علی) در خوشنویسی نیامده بود و تصریح مینماید که او قرآنی بخط جدشان (مقله) دیده است.

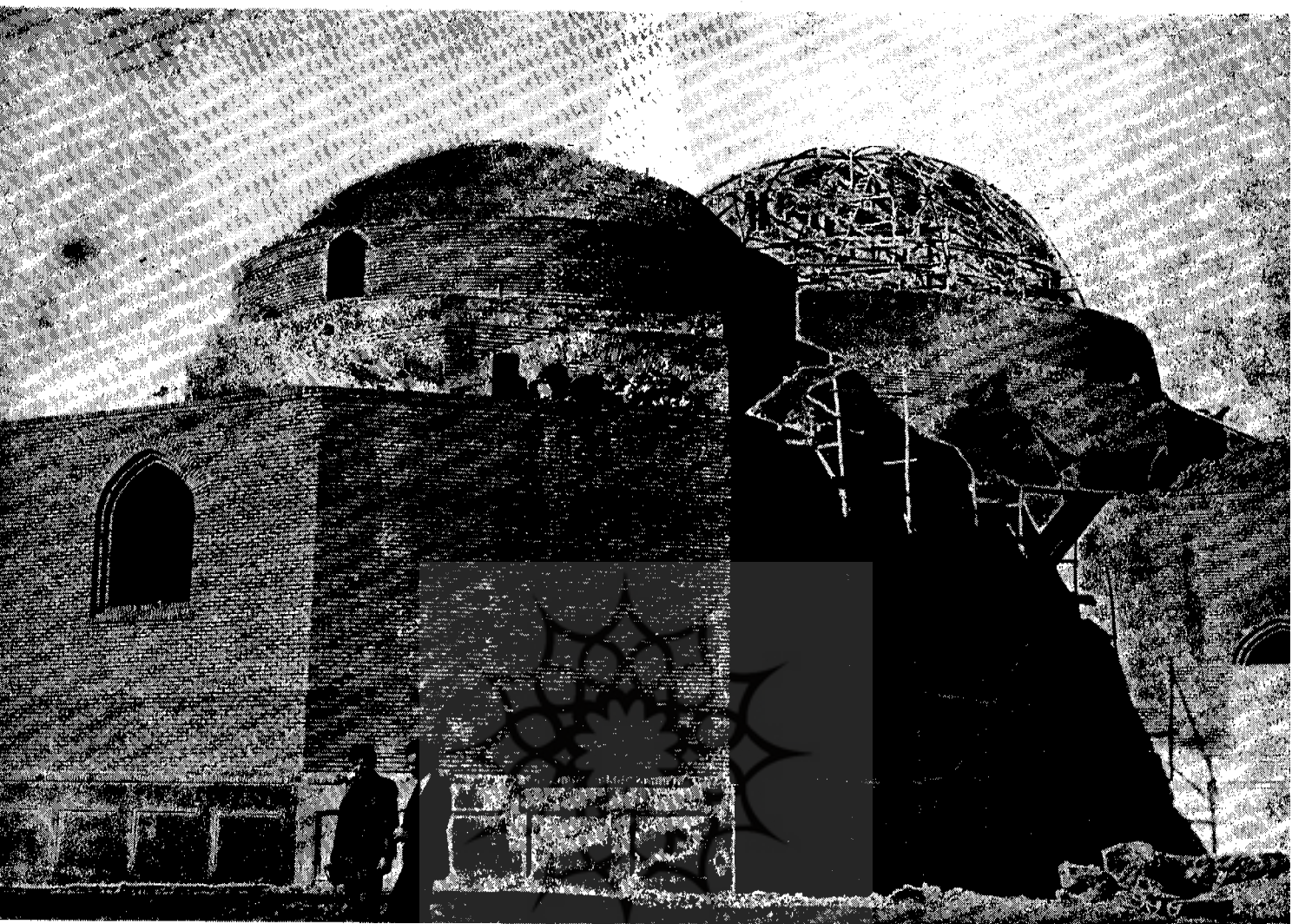
ابن مقله واضع و مبتکر شش نوع خط متعارف فارسی گردید. در نوشتن خط رقاع و ترفیعات کسی بیای او نرسیده است و همچنین خط بدیع را. خط نسخ را در سال ۳۱۰ هـ. ق زمان خلافت المقتدر بالله و وزارت ابن فرات ابداع کرد و چون این خط از کوفی و نظایر آن آسان‌تر بود، بزودی مقبول همه گردید و در تمام شهرها رایج شد.

۵ - سفرنامه ابن بطوطه.

۶ - صفحه ۲۲۲ کتاب اطلس خط.

۷ - Harari.

۸ - Stora.



پژوهشگاه علوم مسجدهای تبریزات فریبگی
رتال جامع علوم انسانی

این بزرگ‌مرد و هنرآفرین فارسی که چند نوبت بمقام وزارت خلفای عباسی رسید، علاوه بر خوشنویسی در تفسیر قرآن و قرائت و حفظ لغات، بلاغت و فصاحت بیان، و نثر و نظم هم استاد بوده است.

مکتب هنری هرات :

سلطان شاهرخ چهارمین فرزند امیر تیمور که هنگام سلطنت پدرش فرمانروای خراسان بود، پس از آنکه بجای پدر به تخت شاهی نشست، پایتخت را به هرات انتقال داد، و پسرش بایسنقر که شاهزاده‌ای هنرمند و هنرپرور بود، کتابخانه بزرگی در هرات بنیاد نهاد، و در آنجا چهل نفر از بزرگترین و زبردست‌ترین نقاشیها و خوشنویسان و صحافان کشور را در آن جا گردآورد و جلب نمود، و مکتب هنری هرات تشکیل شد. خوشنویسان و نقاشان این مکتب، نظر به علاقه سلطان شاهرخ و بایسنقر به اشعار فردوسی و نظامی و سعدی، نسخه‌های چندی از روی این کتابخانه نوشتند و با مینیاتورهای عالی مصور و مزین ساختند.

پس از سلطان شاهرخ سال ۸۵۰ ه. ق چون بایسنقر پیش از او درگذشته بود، پس از چندی هرج و مرج، سلطان حسین بایقرا پادشاه شد و ۳۷ سال پادشاهی کرد (۸۷۴ - ۹۱۱ ه. ق). پایتخت او نیز در هرات بود و مکتب هنری هرات در کمال اوج و ترقی خود بود. کمال‌الدین بهزاد از نقاشان و هنرمندان بزرگ و بنام این مکتب و دربار میباشد. کمال‌الدین بهزاد شاگرد پیر سید احمد تبریزی، از نقاشان زبردست سده نهم هجری و از نوایغ این هنر میباشد. که بین سالهای ۸۵۵ تا ۸۶۰ ه. ق بدنیا آمده و در ۳۴ سالگی وارد دستگاه امیر علیشیر نوائی وزیر دانشمند و هنردوست سلطان حسین بایقرا گردید

و در اثر تبحری که در کار خود داشت بریاست نگارستان هرات رسید. در سال ۹۱۶ ه. ق که شاه اسمعیل صفوی از بیکهارا شکست داد هرات را پس گرفت، بهزاد را با خود به تبریز آورد و در سال ۹۲۷ رئیس کتابخانه پادشاهی شد او يك کارگاه نقاشی و خوشنویسی هم دایر کرد و اهمیتی را که مکتب هرات داشت به تبریز منتقل نمود. آقامیرک تبریزی از نقاشان بنام و از شاگردان بهزاد بود^{۱۰}. شاگرد زبردست دیگرش شیخ‌زاده خراسانی بود.

بهزاد در زمان خود تقلید از کارهای نقاشی چین را متروک ساخت، و خود مبتکر و مسب يك دگرگونی مهم و شگرفی در سبک نقاشی ایران گردید و در بیست سال آخر سده دهم هجری، روح دیگری به هنر نقاشی ایران داد^{۱۱}. با اینکه آثار بسیار از او باقی نمانده، ولی همان چند اثر معدودی که در دست هست کمال هنر و سلیقه او را می‌رساند. از جمله کارهایی که از او بجا مانده :

۱ - کتاب بوستانی است که در سال ۸۹۴ نوشته شده و نقاشی آن کتاب کار بهزاد است. ذوق و استادی بهزاد در طراحی و رنگ‌آمیزی و نقاشی تصاویر این کتاب بسیار عالی و ظریف و معرف پایه تبحر او میباشد. این کتاب اکنون جزء نفایس هنری موزه قاهره مصر میباشد.

۲ - در کتاب خمسه نظامی که در سال ۸۴۵ ه. ق نوشته شده سه مینیاتور از این استاد در آن بیادگار مانده که در سال ۸۹۹ بدان الحاق گردیده است. این کتاب در موزه بریتانیا نگاهداری میشود. زیباترین آن صحنه نقاشی است که مجنون را در حال تماشای شترسواران قبائل عرب در حال جنگ نشان می‌دهد.

۳ - دو مرقع در کتابخانه سلطنتی موزه کاخ گلستان تهران میباشد که آنها را کار بهزاد یا شاگردان زبردستش که

زیر نظر او کار می‌کرده‌اند، تصویر نموده‌اند. همچنین مینیاتورهای شش‌گانه کتاب ظفرنامه تیموری (۸۷۲ ه) بخط میرعلی که اکنون در موزه بالتیمور امریکا است، چندتای از آنها را احتمال داده‌اند که کار خود بهزاد میباشد، و مسلماً در نقاشی تمام آنها خود او نظارت داشته است.

مؤلف کتاب زندگی اجتماعی و سیاسی ایران پس از مرگ تیمور تا شاه‌عباس صفوی، درباره اهمیت مکتب هنری تبریز و شیراز در این عهد مینویسد^{۱۱} :

«برای علاقه‌مندان که به گنجینه گرانبهای دست‌نبنشته‌های فارسی موزه بریتانیا دسترسی نداشته باشند، دیدن مینیاتورهای خمسه نظامی کتابخانه موزه گلستان تهران که نمودار بارزی از تکامل مینیاتورسازی دو مکتب هنری شیراز و تبریز است، ضرورت دارد. از این چهار مینیاتور یکی داستان خسرو و شیرین است که خسرو را سوار شبدیز اسب سیاهش، و شیرین را گرم گفتگو با دوندیمه‌اش بر بام خانه نشان می‌دهد. دومی و سومی داستان لیلی و مجنون است که پسران و دختران را بهنگام درس خواندن در مکتب، و برخورد لیلی و مجنون نشان میدهد، و بالاخره چهارمین مینیاتور از هفت‌پیکر، چهارمین بخش از خمسه است که نقاشی بهرام را در گنبد سفید بهنگام شنیدن داستانهای دختر پادشاه اقلیم هفتم، مظهر زهره مجسم کرده است.

۹ - شمعان فلزی کار استاد محمد پسر رفیع‌الدین شیرازی که اینک در موزه قاهره میباشد و مربوط به دوران تیموری است.

۱۰ - میرک يك خمسه نظامی را که سیزده مینیاتور دارد مصور ساخته است.

۱۱ - آرامگاه او و کمال خجندی در شهر تبریز میباشد.

۱۲ - زندگی اجتماعی و سیاسی ایران پس از مرگ تیمور تا عهد صفوی تألیف ابوالقاسم طاهری صفحه ۲۶.

از مشاهده ترکیب عناصر مختلفه، هم آهنگی نظم و تناسب اجزاء و درهم- آمیختگی رنگها، در این مینیاتورها که تعلق بشیراز و تبریز دارد، میتوان پی برد که در عرض سالی که از نخستین هجوم تیمور بر ایران آغاز و با انقراض سلسله قره قوینلو و آغاز شاهنشاهی صفوی ختم گردید، چنان ذوق هنردوستی بر جنون جنگ آوری و عشق به هنرپروری برهوس خونریزی غالب آمد، و چگونه پس از خوابیدن هنگامه جنگ ذوق هنرمندان ایرانی شیوه‌هایی در کاشی‌سازی و زرگری و فلزکاری بوجود آورد که سرمشق هنرمندان سوریه و مصر قرار گرفت، و تدریجاً پای هنرمندان ایرانی به عثمانی و از آنجا به جمهوری ونیز و اروپا باز شد.

« در موزه بریتانیا سید کتاب دست‌نشته مصور فارسی موجود است که پاره‌ای از مینیاتورهای این کتابخانه نموداری از سیر تکاملی هنر نقاشی ایران است. کهنسال‌ترین این کتابهای خطی مثنوی خواجوی کرمانی (۷۹۹ ه. ق) بخط میرعلی تبریزی میباشد. دو مجلس از مینیاتورهای این کتاب بامضای جنید است و امکان دارد که تمامی آنها را جنید کشیده باشد. از تماشای این نخستین شاهکار محمد تیموری، بی‌شک پژوهندگان با ذوق میتوانند بمقدمات پیدایش خوشنویسی و مینیاتورسازی آشنا گردند ۱۴ »

سبک بهزاد و شاگردانش بدون انقطاع تا قرن یازدهم هجری ادامه داشت. دوره شکوه و جلال این سبک در زمان شاه طهماسب (۹۸۴ - ۹۳۰ ه. ش) پسر و جانشین شاه اسمعیل بود، که سلطان محمد شاگرد میرک‌نقاش باشی و رئیس کارگاههای نقاشی دربار شد. کتابهایی که در این زمان در شهر تبریز درست شده، در زمره مجلل‌ترین کارهای هنری این رشته، و از لحاظ خوبی‌جنس و مرغوبیت کار با بهترین محصول دوره تیموری، هم‌تراز میباشد.

نمونه کامل آن دیوان نظامی است که اکنون در موزه بریتانیا میباشد و بین سالهای ۹۳۷ تا ۹۴۱ ه. ق بپلم شاه محمود نیشابوری یکی از زبردست‌ترین خوشنویس‌های آن زمان برشته تحریر درآمده و چندین هنرمند معروف از جمله میرک و سلطان محمد آنرا مصور نموده‌اند»^{۱۴}.

از جنید نقاش شیرازی و میرعلی تبریزی اثر نفیس دیگری موجود است که در کاخ توپ‌قاوی استانبول نگاهداری میشود. این اثر شاهنامه‌ای است که تاریخ (۷۷۲ ه. ق) دارد، و اثر دیگر دیوان خواجوی کرمانی می‌باشد که در سال ۷۹۹ ه. ق در شهر بغداد توسط میرعلی تبریزی بخط عالی نستعلیق نوشته شده و در موزه بریتانیاست. نقاشی هر دو کار جنید نقاش چیره‌دست شیرازی میباشد. جنید، شاگرد شمس‌الدین شیرازی بوده که برای عرضه هنر خود از شیراز، به بغداد رفته بود. این هنرمند شیرازی در زیر صفحات مصور بنام «جنید السلطانی» رقم کرده و معلوم میشود که نقاش رسمی دربار سلطان احمد از امرای خانواده جلایر در بغداد بوده است.

یکی دیگر از کارهای استاد جنید شیرازی در کتابی است بنام «دیوان سلطان احمد» که امروز در فریر گالری واشینگتن میباشد. در حاشیه متن آن تصاویر بسیار زیبایی بسبکی که بعداً آقارضا در عهد صفوی مرسوم مینماید، وجود دارد.

پیش از این تاریخ یعنی در سال ۶۹۸ ه. ق در مراغه بدستور غازان خان کتاب منافع‌الحيوان تألیف ابن بختیشوکه سال ۳۳۰ ه. ق بدستور خلیفه وقت المتقی در بغداد درباره حیوانات نوشته شده، و توسط عبدالهادی نامی به فارسی برگردانیده شد، بعدها توسط يك استاد شیرازی نقاشی و مصور گردید. این کتاب بمنزله کهنترین کتاب خطی مصور است که شامل اشکال و تصاویر میباشد. کتاب نامبرده در کتاب‌خانه مورگان در نیویورک

موجود است.

تبریز در دوران پادشاهی سردودمان بایندری^{۱۵} ابونصر امیر حسین بیگ معروف به «اوزون‌حسن»^{۱۶} (۸۷۲ - ۸۸۲ ه. ق) در اثر علاقه این پادشاه به آبادانی و آرامش و رفاه مردم، شکوه و جلال دیرین خود را بازیافت، و بازرگانی و پارچه‌بافی و کارهای هنری رو به پیشرفت و رواج رفت.

خاورشناسان و سوداگران ونیزی که در این عهد تبریز را دیده، آنجا را شهری بزرگ با محیطی در حدود ۲۴ میل با خانه‌ها و کاخهای باشکوه توصیف کرده‌اند. مسجد عیشاه که در زمان غازان‌خان زیر نظر تاج‌الدین علیشاه و خواجه رشیدالدین فضل‌الله در نهایت شکوه و استادی ساخته شده دایر، و از بناهای مهم و چشمگیر آن شهر بوده است.

کاخ هشت بهشت که جهانگرد و سوداگر گمنام ونیزی درباره آن سخن گفته، گویا از بناهای زمان اوزون‌حسن، و چنانچه نوشته‌اند از شگفت‌انگیزترین بناهای زمان خود بوده، که در میان پارک و باغ بسیار بزرگی ساخته شده بود. مسجد و بیمارستانی هم داشته است که هم‌روزه از هزار نفر بیمار و بینوا، پذیرائی میشده است. درباره این کاخ زیبا و هنری سوداگر ونیزی مینویسد:

«گرچه در تبریز کاخهای بزرگ زیبا و متعددی در دوران پادشاهی سلاطین مختلف پی افکنده شده است، اما این کاخ هشت بهشت که به‌دست سلطان حسن بیگ احداث گردید، به مراتب از سایر کاخها بهتر است، تا جائی که می‌توان گفت نظیر ندارد. حشمت و شکوه دربار حسن بیگ آن‌سان بود که تا این تاریخ هیچ‌کس نظیرش را ندیده است. این کاخ در میان باغ بزرگ و دلگشائی احداث شده است، که در نزدیکی شهر تبریز قرار دارد و در سمت شمال، رودخانه‌ای کاخ را از شهر جدا می‌کند. در درون باغ مسجد باشکوهی پی افکنده‌اند که بیمارستانی مجهز دیوار



مسجد جامع عتیق شیراز

زمان مانند مجدالدین اسمعیل شیرازی، برهان‌الدین عبدالحمید کرمانی و قاضی شریعی شده بود. وجود همین دانشمندان سبب شده بود، که در قلمرو فرمانروائی آن پادشاه و جانشینانش، بویژه تبریز مدرسه‌های جدیدی تأسیس شد و دانشها و هنرها از نو رواج گرفت.

جهانگردان و سوداگرانی که در این عهد به ایران آمده و تبریز و شیراز را باهم دیده‌اند، مانند ژوزف باربارو، شیراز

درین کاخ، روی سقف تالار بزرگ با سیم و زر و لاجورد، از تمامی جنگلهائی که در دوره‌های باستان در ایران روی داده است، و فرستادگانی که از دربار عثمانی به تبریز آمده و به حضور سلطان حسن بیگ بار یافته‌اند، نگاره‌هایی ساخته‌اند. و نیز خواسته‌های ایشان و پاسخهای پادشاه ایران همه به خط فارسی رقم زده شده

همچنین مجالسی از شکار شاه با گروهی از ملازمان سوار به همراهی سگان تازی و قوشهای شکاری جلب نظر می‌کند»^{۱۷}.

پاره‌ای از خاورشناسان اتمام این کاخ و بناهای زمان اوزون‌حسن را به عهد یعقوب بایندری پسرش نوشته‌اند، و مینویسند که این کاخ در زمان یعقوب بایندری در میان باغ صاحب‌آباد برپا گردیده و کنگره‌هایش با کاخ خورنق و هرمهای مصر کوس همسری میکوفته است.

بواسطه علاقه این پادشاه به دانش و هنر، دربارش مرکز دانشمندان بزرگ

به دیوار آن قرار دارد. این کاخ را به زبان فارسی هشت بهشت نامیده‌اند. زیرا به هشت بهشت مختلف تقسیم می‌شود. در هر بخش چهار غرفه بیرونی و چهار غرفه اندرونی ساخته‌اند، و بقیه قصر در زیر گنبد باشکوهی قرار دارد. تمامی این بنا یک اشکوبه است و فقط یک ردیف پلکان تا سقف کشیده‌اند که از آن طریق شخص بالا می‌رود، و خودش را به غرفه‌های مختلف می‌رساند».

«این کاخ را چهار در ورودی است سر تا به پا میناکاری و زراندود و زیبا، که بیان انسان از وصف آن عاجز می‌ماند. از جلو هر یک از درهای ورودی کاخ راهروی از مرمر ساخته‌اند که منتهی به مصطبه می‌شود. و از میان مصطبه نه‌ری جاری است به شکل مارپیچ، که بستر آن را از سنگ مرمر تراشیده‌اند. پائین آن به رنگهای گوناگون مفرس کاری شده، و از دور مانند آینه می‌درخشد.

۱۳ - صفحه ۲۵ همان کتاب.

۱۴ - صفحه ۲۴۶ کتاب میراث ایران.

۱۵ - بایندر یعنی متمکن و ثروتمند و چون ترکمانان آق‌قویونلو ثروت و مکتت فراوان داشتند به بایندریان معروف شدند.

۱۶ - اوزون حسن یعنی حسن بلند بالا زیرا او اندامی بسیار بلند داشته است.

۱۷ - کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ شاه عباس تألیف ابوالقاسم طاهری صفحه ۸۶ .

را پس از تبریز آبادترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای ایران توصیف کرده. همین خاور شناس وسعت شیراز و حومه آنرا حدود بیست میل مربع (تزدیک به ۵۲ کیلومتر مربع) نوشته است. شیراز در این عصر بواسطه آرامش و امنیت نسبی که داشته، آبادتر و پرجمعیت‌تر از سایر شهرهای ایران بوده است. کلائی که از سمرقند و استرآباد و ری میآمده در شیراز انبار میشده، و شیراز پس از تبریز مرکز بازرگانی و دادوستد گردیده بود، جهانگردان و سوداگران و نیزی در سفرنامه‌های خودشان از جواهر و پرند و پرنیان و ادویه و سایر کالاهائی که در بازارهای شیراز دیده‌اند، توصیف کرده، و رونق بازار شیراز را ستوده‌اند^{۱۸}. علامه ملاجلال‌الدین دوانی را سلطان یعقوب به بزرگترین مقام قضائی شیراز منصوب داشت. همین دانشمند کتاب «اخلاق جلالی» را که یکی از مهمترین آثار ادبی این عهد است، در دوران زمامداری کوتاه خلیل پادشاه، فرزند اوزون‌حسن نوشته.

یکی از دختران اوزون حسن بنام حلیمه بیگم آقا (مشهور به مارتا) از زن عیسوی او همسر شیخ حیدر و مادر شاه اسمعیل صفوی بوده است.

سلطان یعقوب (۸۸۳ - ۸۹۵ ه.ق) مانند پدرش دانش‌پژوه و هنرپرور بود. دربارش محل دانشمندان و پژوهندگان و هنرمندان و سخنوران بوده است، مانند امیرهمایون اسفراینی، مولانا شهیدی، درویش دهکی، میر مقبول حبیبی، مولا بنائی.

در این باره مینویسند که در سال ۸۹۲ ه.ق توسط یکی از درباریان مبلغ ده هزار سکه شاهرخی برسم هدیه نزد عبدالرحمن جامی عارف و شاعر بزرگ آن عهد فرستاد، و آن سخنور منظومه سلامان و ابسال را به نام یعقوب باینبری منظوم ساخت.

از خوشنویسان بنام شیراز که در خط

تعلیق استاد بوده‌اند، نام این اشخاص باقی مانده: احمد بن علی بن احمد شیرازی که یک نسخه کلیات سعدی به تاریخ ۷۸۴ ه.ق از او، در کتاب‌خانه ملی تهران باقی مانده، عبدالرحمن مذهب شیرازی که نسخه کیمیای سعادت غزالی به تاریخ ۷۸۱ ه.ق بخط اوست و در موزه آثار اسلامی استانبول نگاهداری میشود.

از استادان بنام خط نستعلیق تبریزی غیر از میرعلی تبریزی که خود نخستین کسی است که قلم نستعلیق را زیر قواعد درآورد، و آنرا از سایر اقلام شش‌گانه امتیاز بخشیده، میر عبدالله بن میر علی تبریزی فرزند او و میرزا جعفر تبریزی میباشد. میرزا جعفر چون مدت چهل سال خوشنویس دربار بایستقر میرزا فرزند شاهرخ تیموری بوده، به جعفر بایستقری معروف گردیده است. او ریاست و سرپرستی سایر خوشنویسان دربار بایستقری را داشته، و علاوه بر خط نستعلیق، خط ثلث و رقاع و توقیع را هم خوب مینوشته است. شاهنامه بایستقری که در کتابخانه سلطنتی تهران نگاهداری میشود، نمونه عالی خط نستعلیق او میباشد، که بسال ۸۳۲ ه.ق اتمام پذیرفته است، دارای تذهیب کاری و تصویر و تجلید عالی و بسیار ممتاز میباشد.

اظهر تبریزی شاگرد جعفر بایستقری که بیشتر آثار خطی او در کتابخانه و موزه استانبول میباشد، دیگر محمد حسین تبریزی (متوفی ۹۸۵ ه.ق) که علاوه بر خوشنویسی دانشمند و ادیب هم بوده است.

میر عبدالقادر حسینی شیرازی از خوشنویسان پرکار و معروف نیمه سده دهم و اوائل سده یازدهم هجری میباشد، که به هندوستان مهاجرت کرد و در گلنده دکن پایتخت پادشاهان قطب شاهی سکنی گزید. او قرآنهاي زیادی نوشته است. يك قرآن خط او در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که بخط ریحانی ممتاز نوشته شده.

علاءالدین محمد بن محمد بن شمرالدین محمد حافظ تبریزی معروف به ملا علاء بیگ، از خوشنویسان بنام تبریز و شاگردانی مانند عبدالباقی تبریزی و علیرضای عباسی داشته، که هر کدام آنها از استادان خط میباشد. علاء بیگ شاگرد شمس‌الدین محمد تبریزی و نویسنده فرمان شاه طهماسب است. از آثار دیگر او کتیبه عمارات تبریز و کتابها و قرآنها و مرقعات است که مقداری از آنها موجود میباشد. دو نسخه قرآن به قلم ریحان و رقاع از او، در کتابخانه آستان قدس رضوی میباشد. این قرآنها بین سالهای ۹۶۳ تا ۱۰۰۱ ه.ق نوشته شده.

عبدالباقی تبریزی شاگرد علاء بیگ و از استادان برجسته‌ای بوده، که آثارش بر کتیبه‌های ایوان شمالی و کتیبه‌های داخل ایوان بزرگ مسجد شاه اصفهان و اطراف محوطه زیر گنبد موجود میباشد. این کتیبه‌ها تاریخ ۱۰۳۵ و ۱۰۳۶ ه.ق دارد.

علیرضا عباسی تبریزی از خوشنویسان بنام عصر صفوی میباشد. در خط ثلث شاگرد ملا علاء بیگ و در خط نستعلیق شاگرد محمد حسین تبریزی بوده است. از آثار خطی معروف و کتیبه‌های سردر عالی‌قاپوی قزوین که اکنون شهربانی قزوین است، و سردر ورودی مسجد شاه اصفهان با تاریخ ۱۰۲۵ و کتیبه سردر ورودی مسجد شیخ لطف‌الله و دو کتیبه در ایوانهای عباسی در ضلع شرقی و غربی صحن کهنه آستان قدس رضوی.

پرفسور د. برت عضو موزه بریتانیا ضمن مقاله‌ای در کتاب میراث ایران درباره مکتب هنسری تبریز و شیراز مینویسد: «در سالهای بین ۸۰۲ تا ۸۱۲ ه.ق (برابر ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ میلادی) بود، که در شهر تبریز هنرمندان ایرانی که باین روش و انضباط بارآمده بودند، کتابی را که شاید بزرگترین اثر هنری ایران است بوجود آوردند. کتاب مزبور يك دوره تصاویر حماسه ملی ایران یعنی شاهنامه

فردوسی معروف به شاهنامه «دموت» است. مشکل است که در اینجا بتوان به تفصیل در باب این اثر هنری خارق‌العاده سخن راند، ولی میتوان گفت که علاوه بر صفحات آرامتر و تزئینی‌تر این کتاب، که از نظر غنای رنگ و وقار شابهت بسیار با آثار هنری سده بعد دارند، صحنه‌های بسیار مؤثر و جالب یک رنگ، مانند پخاک سپردن اسفندیار (که اکنون در موزه متروپلیتن نیویورک است) در آن وجود دارد. این شاهکاری نظیر، مقام جداگانه‌ای در آثار هنر نقاشی ایران دارد.

ایرانیان دیگر هرگز این سبک کار را باین خوبی انجام ندادند، و نقاشان ایران هرگز تا این اندازه در واقعه و داستان موضوع مورد نقاشی، ابراز علاقه نکردند. در اینجا لازم است از دو مکتب دیگر نقاشی ایران در نیمه دوم قرن هشتم هجری (اول قرن چهاردهم میلادی) ذکر مختصری بمیان آید:

چند شاهنامه کوچک دیگر وجود دارد که تصاویر آنها بی‌شابهت به شاهنامه تبریز نیست، ولی آن عظمت را ندارند. تصاویر این کتاب‌ها با ظرافت و دقت و ریزه‌کاری بسیار کشیده شده، و رنگ آمیزی بسیار مفصلی دارد، و در حقیقت به سبک مینیاتور بدلی چینی‌های دوره سلجوقی است.

از مرکز قدیمی هنر شیراز چندین شاهنامه پدید آمد که در سالهای بین ۸۰۲ تا ۸۰۷ ه. ق (برابر ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ میلادی) تنظیم شده بود.

بر روی زمینه‌های سرخ، آبی، و زرد آنها طرحهای نسبتاً زمخت ولی قوی دیده میشود، که به نظر برخی منفدین از سبک و سنت قدیمی‌تری بجا مانده است. ولی در عین حال قیافه‌ها و منظره‌های مغولی هم در آنها فراوان است و میتوان این سبک را مکتب ولایتی یا محلی نامید «.....» هر چند پس از روی کار آمدن سلسله تیموری خاور ایران یعنی

خراسان و ماوراء النهر جلب توجه نمود و مرکز و تکیه‌گاه میشود، ولی سبک تیموری در باختر ایران و بین‌النهرین، مخصوصاً در شیراز و بغداد آغاز شد، و از این نقاط بود که تیمور هنرمندان را برای آراستن و پیراستن دربار خود بسمرقند برد. سبک جدید کاملاً در دو اثر عالی مشهود است: یکی مرقع کار بغداد است که اکنون بین موزه بریتانیا و مجموعه «چستربیتی» تقسیم شده و دومی که مهمتر از همه است کتاب خواجوی کرمانی میباشد که اکنون در موزه بریتانیاست و در سال ۷۹۸ ه. ق (برابر ۱۳۹۶ میلادی) در شهر بغداد و در زمان سلطنت مغولی جلایری استنتاج شده است.

در این دو کتاب بخصوص در کتاب خواجوی کرمانی سبک نقاشی ایران که تا حدی تحت الشعاع نفوذ چین و بین‌النهرین واقع شده بود، ناگهان دوباره با تمام مظاهر و لطف خود عرض اندام کرده است. در این زمان ارتباط ایران و چین با هم بسیار نزدیک بود، ولی اثر نقاشی چین دیگر امری حیاتی نبود و فقط گل و بوته طرحهای مورد پسند زمان بخصوص در تزئین از آن اقتباس میشد و هنرمند ایرانی در چهارچوبه سبک مشخص و معلوم خود آنها را دستکاری میکرد.

ماهیت و مقصد نقاشی دوره تیموری که تازگی و برآزندگی کامل آنرا در کتاب خواجوی کرمانی مشاهده میکنیم، چه بوده است؟ مقدم بر هر چیزی، این سبک، یک سبک تزئینی است و برآستی حساسیت عجیب و تمیز بی‌شائبه هنرمند ایرانی، در انتخاب رنگ و استادی وی در طرحهای ظریف، او را در این هنر استادی بی‌نظیر و غیر قابل تقلید نموده است.

برای آنکه شخص از زیبایی بی‌نظیر این مینیاتورها لذت برد، باید آنها را در اصل کتاب تماشا کند. چون خط قشنگ و تذهیب زیبای آن بر روی کاغذ اعلاء صحنه کاملی بوجود آورده است.

کتاب خواجوی کرمانی رقم استاد میرعلی تبریزی است. او بوده است که خط ظریف معروف به نستعلیق را اختراع کرده است

«حقیقت آن است که کار نقاشی ایرانی نه تنها برای رساندن شکوه و جلال و زرق و برق یک دربار کافی بود، بلکه حالات شاعرانه‌تر و پنهانی‌تر تألیفات نظامی یا سعدی را می‌بایست برساند.

اگر بخواهیم ساده‌تر بگوئیم، این نقاشی‌ها از لحاظ هنری، خالص و هنرناب است و تأثیر سحرآسای آن در ماهیت خود کار است و احتیاجی چندان به ریزه‌کاری در احساسات و یا افکار ندارد، تا تأثیر و بدل نشستن خود را کامل کند

مکتب هنری پادشاهان مغولی‌هند:

پایه‌گذار مکتب نقاشی و خط و کتاب‌نویسی در هندوستان، نقاشان و خوشنویسان تبریزی و شیرازی بودند.

همایون در سال ۹۵۵ ه. ق پس از شکست از شیرشاه و خیانت برادرش کامران، بایران پناهنده شد، و در عرض یکسالی که در این کشور بوده، با مشاهده دستگاه هنری و گارگاههای نقاشی و کتاب‌نویسی دربار صفوی، از نزدیک با هنرمندان دربار شاه طهماسب آشنا شد. مکتب هنری شیراز و تبریز و هرات و قزوین در زمان این پادشاه پیشرفت و گسترش بسزائی داشت و میر سیدعلی پرورش یافته تبریز و آقا میرک تبریزی و سلطان محمد و مظفرعلی شاگردان بهزاد، خواججه عبدالصمد شیرازی از هنرمندان بنام این دربار بودند.

میر سیدعلی پسر میرمعصوم نقاش بدخشانی بود. میرمعصوم از بدخشان به تبریز آمده بود تا از استاد بهزاد بهره-

۱۸ - تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا شاه‌عباس تألیف ابوالقاسم طاهری صفحه ۱۰۶ .



مسجد کبود تبریز

و تبریزی را معتنم و محترم داشت. او میر سیدعلی را «نادرالملک» و عبدالصمد را «شیرین قلم» لقب داد.

این دو هنرمند مبتکر و بنیان‌گذار سبک نقاشی مغول در شمال هندوستان شدند، و سبک نوی مخلوط از ترکیب نقاشی ایرانی و مناظر و تصاویر هندی معمول داشتند.

از شاهکار دیگر این دو هنرمند کتاب امیر حمزه میباشد. نگاره‌های این کتاب را که بالغ بر ۱۴۰۰ صفحه نوشته‌اند، زیر نظر این دو نقاش زبردست و بتوسط چند نقاش دیگر انجام گرفت.

حمزه نامه در زمان همایون‌شاه آغاز شد و زمان اکبرشاه پایان رسید. رویهم‌رفته ۲۵ سال تهیه این اثر نفیس طول کشید و کارگاهی که این کتاب در آن تهیه میشد، خود بمنزله مکتبی بود که بعدها مکتب ایران و هند نامیده شد. از ۱۴۰۰ برگ

دست، میزبان ازبشت سر ناگهان دستهایش را گرفته می‌بندد (۹۶۵ ه. ق) این منظره چنان نموده شده که مانند عکس حساس و مجسم میباشد.

همایون‌شاه هنگامی که میخواست از ایران برود، از شاه طهماسب اجازه خواست که میر سیدعلی و عبدالصمد را با خود ببرد. ولی این تقاضا مورد اجابت قرار نگرفت و سرانجام این دو تن چون دانستند که در دربار همایون قدر و مقام عالینتری خواهند داشت، بسوی آن دربار شتافتند، (۹۶۰ ه. ق). همایون در دهلی در دژ کهنه‌ای به نام «پورا نا قلعه» کتابخانه‌ای ساخت و این دو هنرمند را در آنجا سرپرستی کتابخانه داد، و بسیاری از هنرمندان در آن مرکز گرد آمده بودند.

فرزند همایون اکبرشاه هم که پس از او پادشاه شد، مقدم این دو هنرمند شیرازی

گیری نماید. بنابراین او و فرزندش تحت تعلیم بهزاد پرورش یافتند. میر سیدعلی باندازه‌ای در هنر نقاشی پیشرفت کرد، که همانندی نداشت.

از شاهکارهای هنری میر سیدعلی خمسه نظامی است که به فرمان شاه طهماسب بین سالهای ۹۴۹ تا ۹۵۲ تهیه کرد و اکنون ضمن نقاشی موزه بریتانیا و از پر بهاترین خمسه نظامی خطی جهان میباشد. این کتاب توسط شاه محمود نیشابوری در تبریز نوشته شده، و چهارده مجلس نقاشی دارد که کار میرسید علی و آقا میرک و سلطان و مظفر علی است.

از شاهکارهای عبدالصمد شیرازی «شیرین قلم» صحنه نقاشی است که در کتابخانه بودلیان اکسفورد نگاهداری میشود. این نقاشی صحنه دستگیری شاه ابوالمعالی توسط تولک خان است که برای صرف نهار دعوت میشود، و هنگام شستن

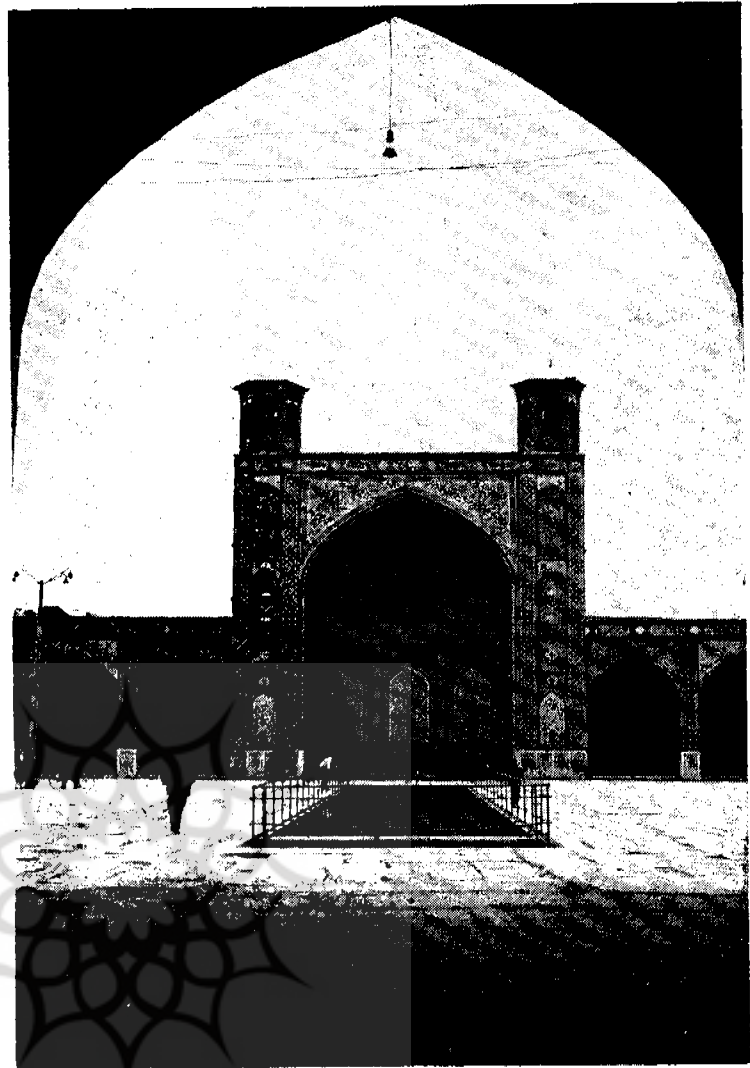
آمد و از عوائق روزگار نمیتوانست همراهی گزیند. همانگونه که میر سیدعلی تبریزی هم نقاش بود و هم شاعر، عبدالصمد نیز نقاش بود و خوشنویس. پدرش در شیراز وزیر شاه شجاع بود. «...» ۱۹.

«خواجه جلال‌الدین محمود را که برسم رسالت پیش حاکم ایران فرستاده‌اند، و خواجه بجهت بعضی موانع در قندهار توقف نموده بود، باز پس طلبیدند و خواجه عبدالصمد و خواجه میر سیدعلی که در فنون تصویر و نقاشی یگانه آفاق و نادره ادوار بود، مصحوب خواجه سعادت بساط بوس دریاخته^{۲۰}، مشغول عنایت بی‌کران گشتند.»

در کتابخانه معروف بانکی پور (خدابخش) در پتنه در حاشیه یک نسخه اکبرنامه خطی، اکبر با خط خود نوشته است که: «در کابل من و پدرم (همایون) هر دو تحت تعلیم عبدالصمد قرار داشتیم». در همین شهر کابل بود که نقطه تأسیس مکتب نقاشی مغولی (هند و ایران) بسته شد و به فرمان همایون دو نقاش ایرانی کارگاه نقاشی خود را دائر کردند و با کمک چند شاگرد ایرانی و هندی نقاش، بزرگترین و نخستین اثر نقاشی هندوایران، داستان امیر حمزه را شروع کردند در هند پس از کشته شدن همایون، اکبر ولیعهد جوان را که در دامنه هیمالیا سرگرم جنگ بود به پایتخت فراخواندند، و درین فراخوانی یک نقاش ایرانی احتمالاً عبدالصمد نیز شرکت داشت؛ و چهره اکبر را هنگام استماع این خبر کشیده است. این اثر که در موزه کلکته نگهداری میشود، از آثار کم نظیر در تاریخ نقاشی هند و ایرانی است. صورت اکبر کاملاً ایرانی کشیده شده است.

در کشمکشهای نخستین به هنگام سلطنت رسیدن اکبر، عبدالصمد برخلاف

۱۹ و ۲۰ - مقاله آقای دکتر مهدی غروی مجله هنر مردم شماره ۱۲۸ صفحه ۴۱ به نقل از صفحه ۲۲۰ و ۲۹۲ جلد اول اکبرنامه.



نمایی دیگر از مسجد جامع عتیق شیراز

شده، توسط عبدالرحیم عنبرین قلم در (۱۰۰۲ ه.ق) زیر سرپرستی عبدالصمد نوشته شد، و یکی از مجلس‌های آن کتاب کار خود عبدالصمد میباشد.

ابوالفضل صاحب اکبرنامه مینویسد: «همایون پس از کسب اجازه از شاه طهماسب از راه تبریز عازم خراسان شد. در تبریز نخست میر سیدعلی و سپس خواجه عبدالصمد را دید. نادره سحر آفرین خواجه عبدالصمد شیرین قلم نیز در این مدینه فاضله، بملازمت استعار یافت. آن قدردان بارگاه هوشمندی را بسی پسند

این کتاب گویا ۱۴۰ یا ۱۲۰ عدد آن بیش باقی نمانده که در کتابخانه‌های معروف جهان پراکنده و بقیه که نهم آن باشد از بین رفته است. قطع این نقاشیها بزرگ و باندازه ۶۰×۵۵ سانتیمتر، یکر و نقاشی ویکرو متن کتاب نوشته شده است.

عبدالصمد شیرازی در سال ۹۶۶ ه.ق بریاست ضرابخانه منصوب شد «دسوانت» شاگرد ارشد او رئیس کارگاه نقاشی کتابخانه شد.

کتاب خمسه نظامی که نخستین و بهترین اثر نظامی است که در هند تهیه

میر سیدعلی، نقش فعال‌تری داشته و از طرفداران شاه جوان بوده است. یکی از نقاشیهای ممتاز عبدالصمد متعلق بهمین دوره است، که دستگیری شاه ابوالمعالی را نشان میدهد.

این نقاش هنرمند در دوران امپراتوری اکبر منصب «چهارصدی» یک درجه نظامی و اشرافی بوده یافت، و باردیگر اکبر تمرین نقاشی را آغاز کرد. ابوالفضل در وقایع سالهای نخست سلطنت وی مینویسد: «در تصویرخانه بموجب اشارت عالی مشق تصویر می‌فرمودند و نادره کاران باریک‌بین چون میر سیدعلی مصور و خواجه عبدالصمد شیرین‌قلم که از بی‌بدلان این فن‌اند، در ملازمت بودند».

عبدالصمد در سال ۹۸۵ سرپرستی ضرابخانه امپراطوری را در «فتح‌پور-سیکری» پایتخت اکبر در تردیکی آگره برعهده گرفت و پنجسال بعد در سال (۹۶۰ ه.ق) به فرمان اکبر به تعلیم نقاشی در دربار پرداخت و این بار شاهزاده جوان «مراد» شاگرد استاد بود و آخرین شغل مهم عبدالصمد ریاست دیوان مولتان بود. اکبرنامه در باره وقایع سال ۹۹۴ مینویسد:

«در اینسال امپراتور مصمم شد که برای هراستان دو حکمران اعزام دارد،

تا اگر یکی بدرگاه آید یا رنجور شده، دیگری بکار پردازد، و دیوان و بخشی نیز همراه ساخت». بدیهی است این فرصت یعنی عزیمت به گجرات برای خواجه فرصتی مغتنم بود. زیرا گجرات از قدیم مرکز ادب و هنر هند بوده و با غرب از جمله ایران روابط فرهنگی داشته است.

پرسی براون درباره این هنرمند شیرازی مینویسد:

«همایون که شیفته کار عبدالصمد بود، وی را در کابل به لقب شیرین‌قلم مفتخر ساخت، و اکبر پس از رسیدن به سلطنت بوی لقب چهارصدی داد، و در ازای خدمات گذشته‌اش از او تجلیل کرد. احترامی که اکبر نسبت به خواجه روا میداشت، نه فقط برای تجلیل از مقام یک هنرمند بود، بلکه ویرا از اینکه معلم نقاشی خودش نیز بوده، سرافراز میداشت. اکبر، عبدالصمد را ریاست ضرابخانه شاهی رساند و وی که سالها در این مقام انجام وظیفه میکرد در ضرب سکه‌های اصیل و زیبای عصر اکبر نقشی برجسته داشت، این سکه‌ها گذشته از خلوص و عیار درست، از لحاظ نقاشی نیز دارای امتیاز خاصی است و اثرات هنری این سرپرست با ذوق در نقش و نوشته و شکل سکه‌ها مشهور است.»

نوشتن شعر بر روی سکه، که یکی دیگر از مظاهر نفوذ فرهنگی ایران بر هند است، در این دوره آغاز شد، و رویهمرفته سکه‌های عهد اکبر از لحاظ هنری، بهترین سکه‌های هند بشمار میرود.

آخرین شغل مهم وی ریاست دیوان مولتان بود، یعنی امور مالی این استان زرخیز بوی سپرده شد.

از این بعد دیگر خبری از استاد نداریم، پسرش بنام شریف‌شاعری بنام شد، و جهانگیر جانشین اکبرشاه، وی را به لقب امیرالامرائی که عالی‌ترین لقب درباری بود مفتخر کرد. جهانگیر از شریف تجلیل کرد، همانگونه که اکبر از عبدالصمد پدرش تجلیل نموده بود»^{۴۱}.

۲۱ - صفحه ۴۳ مجله هنر مردم شماره ۱۲۸ از مقاله آقای دکتر مهدی غروی به نقل از کتاب پرسى براون. آقا رضا تبریزی هم از شاگردان میر سیدعلی بود که مدتی در دربار جهانگیر فرزند اکبرشاه مقیم بود و فرزندش ابوالحسن هم در این دربار پرورش یافت، و استادی زبردست گردید، و بلقب نادرالزمان «بهترین نقاش عصر جهانگیر» شد، این آقارضا غیر از علیرضای عباسی میباشد که او هم تبریزی بوده است.

فرخ‌بیگ هم از استادان زبردستی بود که با این سه هنرمند مکتب هنری اکبرشاه را رونق بسزائی دادند.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

